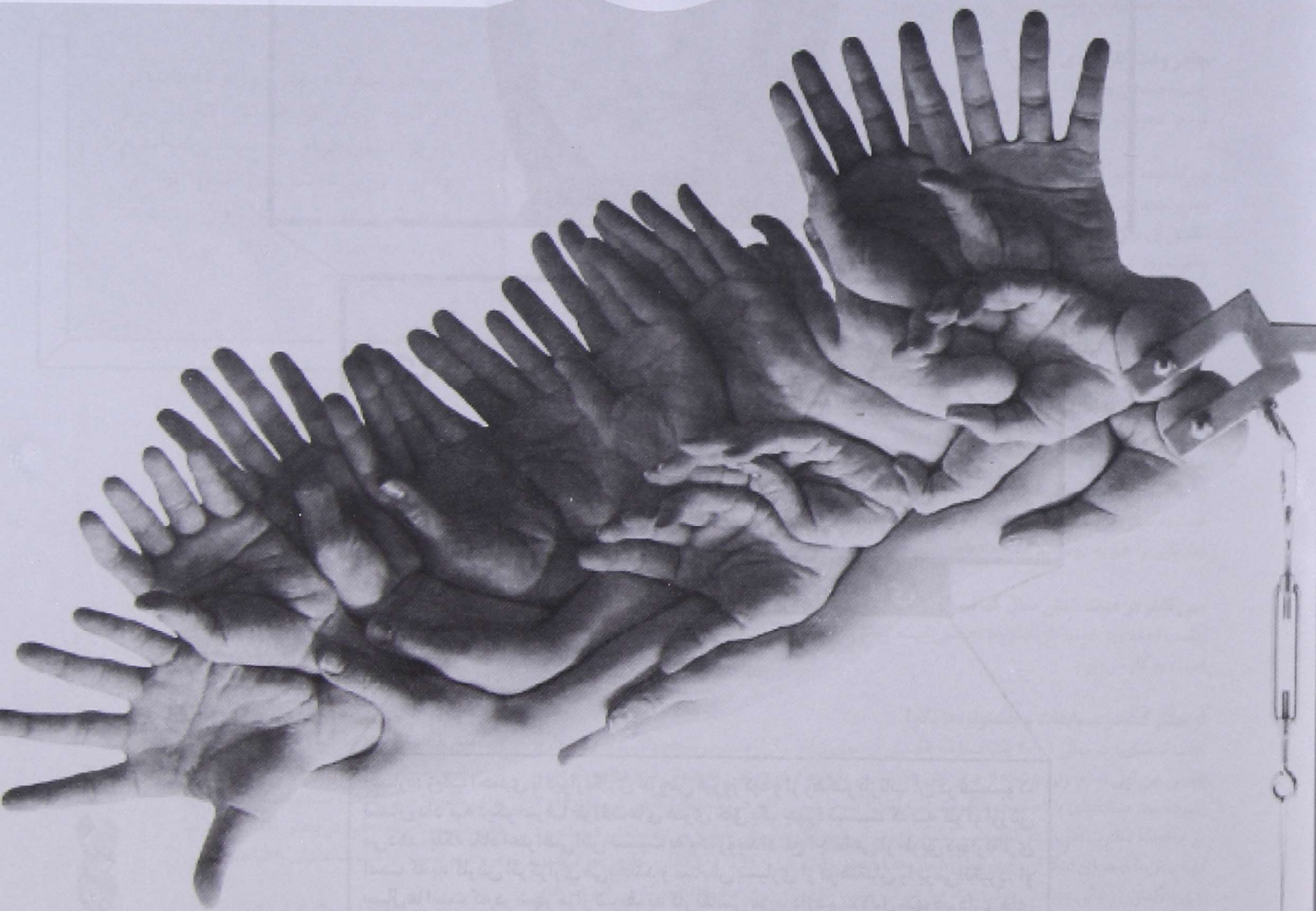


دستان



<خالق عروس فیروزکوه در مزار شریف > تقی واحدی < ۹۲

نقاشی جان من است



خالق عروس فیروز کوه در مزار شریف

گفتگو با بانوی نقاش، زینب احمدی

اشاره: زینب احمدی با دیوارنگاری عروس فیروز کوه و از رهگذر بازتاب آن در فیسبوک نشان داد که دیگر صرفاً ظرافت‌های هنری خلق یک چهره نیست که به کار او ارزش می‌دهد، بلکه نگاه اعتراضی‌اش نسبت به یک رویداد تلخ اجتماعی از طریق دیوارنگاری است که به کارش اثرگذاری می‌بخشد و ستایش بسیاری از فرهنگیان را برمی‌انگیزد. او سال‌ها است که در شهر مزار شریف به کار نقاشی می‌پردازد و به دلیل چهره‌پردازی‌های عمیق و به خصوص برجستگی‌های چین و چروک‌های دور چشم، آثارش خریدارانی داشته است. نقاشی‌های او از سال‌ها پیش در چشمم آشنا بود؛ اما دیوارنگاری عروس فیروز کوه انگیزه قوی‌تری در من ایجاد کرد تا در عصر چهاردهم اسد به سراغش بروم و این گفتگوی کوتاه را با او داشته باشم.





چطور شد که تصمیم گرفتی عروس فیروزکوه را بکشی؟

زینب احمدی: به عنوان هنرجو اهل مبارزهام و می خواهم از طریق هنر خود این کار را بکنم. در این اواخر کشتار افراد بی گناه در کشورم زیاد شده است. کشتن عروس بی گناه غوری و دیگر همراهانش مرا وادار کرد که به عنوان یادبود نمادین از چنین حوادث و جلوگیری از فراموشی، این کار را بکنم. می خواهم در حافظه مردم ثبت شود و انگیزه شود برای فشار بیشتر حکومت برای جلوگیری از چنین رخدادها.

اما چرا نقطه‌ای در حاشیه شهر را انتخاب کردی؟

زینب احمدی: می خواستم در دل شهر کار بکنم. ولی برای دختران در مناطق مزدحم محدودیت‌هایی است؛ کسانی هستند که مزاحمت می کنند. این بود که در گذر «نور خدا» کار کردم. در آنجا راحت کار کردم. هم موقعیت مکانی و هم زمانی طوری بود که تقریباً خلوت بود. سر چاشت بود و می دانید که در شهر مزار شریف در گرمای چاشت ماه اسد رفت‌وآمد مردم در کوچه‌ها خیلی کم می شود. می خواستم عروس فیروزکوه را بر دیوار مکتب بکشم. ولی روز عید بود و دروازه مکتب باز نبود که بروم اجازه بگیرم. اما از صاحب یک خانه شخصی در نزدیکی همان مکتب اجازه گرفتم که دیوارنگاری کنم تا برای دانش آموزان مکتب، الهام‌بخش باشد.

چقدر وقت کار کردی رویش؟

زینب احمدی: به خاطر اینکه می خواستم ماندگاری بیشتری داشته باشد، به جای اسپری با رنگ روغن کار کردم. حدود دو ساعت را در بر گرفتم.

در گذشته هم کار دیوارنگاری کرده بودی؟

زینب احمدی: در گذشته به شکل گروهی سهم داشته‌ام. بیشتر در طراحی دیوارنگاری نقش داشته‌ام نه در تطبیق آن بر روی دیوار. به دلیل محدودیت‌های اجتماعی در اجرای روی دیوار سهم نمی گرفتیم. اما این بار چاشت روز عید بود و می دانید که در چنین وقتی آن هم در حاشیه شهر زیاد گیروبار نیست.

عمداً روز عید را انتخاب کردی؟

زینب احمدی: بلی. می خواستم بگویم در روزی که ما شادی می کنیم، دیگرانی هستند که در ماتم عزیزانشان قرار دارند. می خواستم به این طریق غم‌شریکی بکنم با آنها. در فرهنگ ما هست که در روز اول عید ابتدا به خانه عزاداران می روند و غم‌شریکی می کنند.

می شود کمی هم به طور کلی راجع به کار نقاشی ات بگویی؟

زینب احمدی: سبک کار نقاشی ام رئالیزم است. روی طرح‌های مفهومی کم کار کرده‌ام. حدود شش سال است نقاشی می کنم. در این مدت ۳۰ تابلو کشیده‌ام. تعداد کمی پیشم مانده است. بقیه‌اش را فروخته‌ام و چند تایی را هم به دوستانم هدیه داده‌ام.

سی تابلو در مدت شش سال کم نیست؟

زینب احمدی: خوب کار اصلی ام تحصیل است. زمانی که وقت خالی داشته باشم یا هوایش پیش بیاید دست به کار می شوم.

از مشارکت در مسابقات و جشنواره‌ها بگو!

زینب احمدی: در سال ۲۰۰۹ یک مسابقه نقاشی از سوی یونما برگزار شد در سطح ولایت بلخ. در طرح پنسلی من اول شدم. زنی بود که از چهره‌اش وحشت می‌بارید و از دو دستش به عنوان ابزار دفاعی استفاده کرده بود. مسابقه‌ای با نام «محو خشونت علیه زنان» بود. همین طور در یک نمایشگاهی در سال ۲۰۱۰ در محوطه سفارت آمریکا در کابل شرکت کردم. در آن نمایشگاه، شش تابلو از من به نمایش درآمده بود در میان تابلوهای دیگران. چهارتایش همان جا فروش رفت. بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ دالر. خارجی‌ها خریدند. چهره‌نگاری زغالی و پنسلی رنگه بود. من سبکم هست که بیشتر روی چشم‌ها تمرکز می‌کنم و تا هنوز کسانی که آثار مرا مورد توجه قرار داده‌اند، روی این نکته انگشت گذاشته‌اند.

می شود درباره نقاشان خانم در مزار شریف کمی بپزیند. چند تا خانم هستند که به شکل جدی در این شهر به نقاشی می‌پردازند؟

زینب احمدی: ده تایی می‌شود، البته زیاد هم جدی نیستند. ولی اگر بخواهند می‌توانند خوب کار کنند.

می خواستم بگویم در روزی که ما شادی می‌کنیم، دیگرانی هستند که در ماتم عزیزانشان قرار دارند. می خواستم به این طریق غم‌شریکی بکنم با آنها. در فرهنگ ما هست که در روز اول عید ابتدا به خانه عزاداران می‌روند و غم‌شریکی می‌کنند.

پس چرا نمی‌خواهند؟

زینب احمدی: مصروفیت‌های دیگر دارند. به خاطر اینکه روی درآمد نقاشی اصلاً نمی‌شود حساب کرد. مردم ما اصلاً به نقاشی اهمیت نمی‌دهند. تا به حال از ۱۵ تابلویی که فروخته‌ام خریدارانشان همه خارجی‌ها بوده‌اند. دولت هم که کوچک‌ترین توجهی در این زمینه ندارد. مثلاً اگر بخواهیم نمایشگاه برگزار کنیم نیاز به یک گالری داریم، ولی چنین جایی در شهر مزار شریف وجود ندارد و مشکلات ما در این زمینه زیاد است.

قبلاً کلبه فرهنگی بلخ مکان مناسبی برای آموزش و تشویق نقاشان بود؛ اما حالا این کلبه به مکانی در حاشیه شهر رفته و دسترسی به آن مخصوصاً برای خانم‌ها خیلی سخت شده است. فعلاً تنها دفتر «ایسوس» برنامه‌هایی در بخش نقاشی دارد اما در حدی نیست که قناعت نقاشان را فراهم کند.

رابطه بین خود نقاشان چگونه است؟

زینب احمدی: رابطه‌ها موردی هست و کدام برنامه منظمی برای برگزاری نمایشگاه، آموزش نقاشان و مسابقات نقاشی وجود ندارد.

